

خبر

واکنش رییس دادگستری اصفهان به کشف جسد در پارکینگ پلیس

■ **عبرت نیوز:** رییس دادگستری استان اصفهان اعلام کرد: برای روشن شدن ماجرای کشف جنازه یک جوان ۳۲ساله به نام محسن در صندوق عقب خودرواش در پارکینگ نیروی انتظامی تحقیقات ویژه‌ای انجام خواهد شد. جنازه این جوان سه ماه بعد از مفقود شدن در صندوق عقب اتومبیلش در پارکینگ انتظام متعلق به نیروی انتظامی اصفهان پیدا شد، این در حالی بود که خودرو و شش روز بعد از مفقود شدن مقتول پیدا و بدون بازرسی به پارکینگ منتقل شده بود. غلامرضا انصاری، رییس دادگستری کل استان اصفهان درباره این واقعه گفت: «من و همکارانم نیز با شنیدن این خبر بسیار متأسف شدیم. قطعا در پیگیری این مساله، هیچ کوتاهی صورت نخواهد گرفت و با جدیت و قاطعیت موضوع را دنبال می‌کنیم و برخورد قانونی را با هر فرد و در هر جایگاهی صورت خواهیم داد.» انصاری در ادامه گفت: همکاران ما در دادسرای اصفهان و همچنین دادستان نیز پیگیر ماجرا هستند؛ البته باید روشن شود مسوولیت رسیدگی به این واقعه بر عهده دادسرای نظامی است یا دادسرای اصفهان، زیرا باید دقیقا جزئیات ماجرا بررسی شود و پس از جمع‌آوری همه اطلاعات و مستندات و با اشراف کامل اظهار نظر قانونی کرد. تحقیقات پیرامون این ماجرا در حالی ادامه دارد که هنوز مشخص نیست زمانی که خودرو محسن کشف شد او زنده و در صندوق عقب نیمه جان بود یا اینکه از پیش وی را به قتل رسانده بودند. با توجه به اینکه در زمان کشف پژو شش روز از گم شدن مرد جوان می‌گذشت اگر وی به قتل رسیده بود مأموران کاشف خودرو به احتمال زیاد متوجه بوی تعفن می‌شدند، حال آنکه چنین اتفاقی نیفتاده و پرونده در هاله‌ای از ابهام مانده است. بنابر این گزارش مقامات نیروی انتظامی تاکنون به این ماجرا واکنشی نشان نداده‌اند.

خسارات توفان دیروز تهران

■ **ایسنا:**مدیر روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران از سقوط ۳۰ اصله درخت در پی وزش باد شدید و توفان خبر داد. جمشید شفیعی گفت: به دنبال وزش باد شدید و توفان در بعدازظهر یکشنبه، سقوط بی‌دری ۳۰ اصله درخت از ساعت ۱۵ به سازمان آتش‌نشانی تهران اعلام و آتش‌نشانان ایستگاه‌های مختلف به مناطق حادثه اعزام شدند. وی بیان اینکه خوشبختانه این حوادث تلفات جانی در پی نداشت، افزود: یکی از درختان در خیابان قائم‌مقام فراهانی روی یک رهگذر سقوط کرده بود که آتش‌نشانان فرد حادثه‌دیده را نجات دادند. شفیعی افزود: سقوط درختان در پایتخت خسارات مالی فراوانی بر جای گذاشت که میزان این خسارات در دست بررسی است. به گفته مدیر روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، از مجموع این حوادث پنج مورد سقوط درخت روی کابل برق، چهار مورد افتادن درخت‌روی خودرو و یک مورد سقوط درخت روی عابرپیشه گزارش شد و مابقی درختان روی دیوار یا خیابان افتادند.

قتل ۳ عضو یک خانواده

■ **شرق:** مردی که برادرش و همسر و فرزند او را کشته بود بعد از حدود پنج ماه به قتل اعتراف کرد. سرهنگ هوشنگ پورزاقلی، رییس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمان با اعلام این خبر گفت: روز ۲۷ دی ماه سال گذشته سه عضو یک خانواده چهار نفره افغان به طرز وحشتناکی در منزل شان به قتل رسیدند و یک کودک پنج‌ماهه تنها بازمانده این خانواده بود. وی افزود: مأموران اداره مبارزه با جرایم جنایی با بررسی علمی و تخصصی صحنه قتل، پس از گذشت ۴۴ ساعت از این جنایت، سرار درخت مقتول را که هویت اصلی خود را مخفی می کرد، به‌عنوان مظنون اصلی پرونده دستگیر کردند و او پس از گذشت پنج ماه تحقیق و جمع‌آوری ادله و شواهد لازم و انجام آزمایش‌های متعدد به قتل اقرار کرد. سرهنگ پورزاقلی با اشاره به اینکه این متهم سابقه‌دار است و اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارد، افزود: عضویت در گروه کماندوهای ارتش طالبان و حضور در اقدامات مسلحانه و خطرناک از سوابق این قاتل است، ضمن اینکه او طبق اظهارات پدرش دو روز و نیم قبل از ارتکاب قتل با محبوس کردن همسر و فرزندان خود در خانه و بازگذاشتن شیر گاز قصد کفره کردن آنان را داشت که با حضور بستگان این امر میسر نشد.

قاچاق مواد مخدر از ایران اتهام پنج متهم

■ **شرق:** پنج قاچاقچی که قصد داشتند از ایران به مقصد مالزی، آلمان وجمهوری آذربایجان مواد مخدر قاچاق کنند، دستگیر شدند. دو نفر از این افراد در مالزی بازداشت شدند و دو نفر دیگر که تبعه آذربایجان بودند در این کشور به دام افتادند و نفر آخر نیز در فرودگاه تبریز دستگیر شد. رییس پلیس ایالت جوهور در جنوب مالزی دیرروز اعلام کرد: دو ایرانی ۲۲ و ۲۷ ساله در حالی که در حال قاچاق چهار و نیم کیلوگرم متامفامین بودند در فرودگاه بین‌المللی این ایالت شناسایی و دستگیر شدند. ما بر این عقیده‌ایم که این دو ایرانی از اعضای باند بین‌المللی قاچاقی مواد مخدر هستند که در آسیای میانه فعالیت دارد. در همین حال دو مرد آذربایجانی به نام‌های وقار «علی عسکراف» و «فریان اسداف» در حالی که بسته‌های روانگردان و هرویین را بلعیده و از مرز بیله‌سوار به کشور خود رفته بودند توسط مأموران گمرک دستگیر شدند. علاوه بر این یک مسافر پرواز تبریز- استانبول که حامل یک کیلو و ۵۰۰ گرم مواد مخدر بود پیش از خروج از کشور به دام افتاد و گفت: قصد داشت مواد را از طریق ترک کیه به آلمان قاچاق کند.

شرق: پرونده قتل به دست مرد آهنین سرانجام دیروز بعد از انتشار اخبار ضد و نقیض به شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران ار جاع شد و برادر و پدر متهم اصلی پرونده پشت در های بسته بازجویی شدند. در حالی که پیش از این گفته می شد امیر قزایی، متهم اصلی خودش را تسلیم پلیس کرده اکنون مشخص شده که او فراری است. نزاع مرگبار شامگاه چهارشنبه هفته گذشته در جنت‌آباد جنوبی روبه‌روی مرکز خرید طوبی به وقوع پیوست و امیر قزایی و یکی از برادرانش که از مدتی قبل یکدی از دوستان صمیمی خود به نام علی اختلاف داشتند این جوان ۳۱ساله را از داخل یک رستوران سنتی بیرون کشیدند و به زد و خورد با او پرداختند. این دعوا به خاطر وجود قمه در دست امیر رنگ خون به خود گرفت و علاوه بر علی فرد دیگری نیز زخمی شد و چهار انگشت دست خود را از دست داد.

علی که در جریان این نزاع هدف ضربه قمه قرار گرفته بود به سختی خودش را به یک در مانگاه رساند

شرق: مردی که با فریب دادن دختر مورد علاقه‌اش او را به خانه‌اش کشانده و مورد آزار قرار داده بود توسط مأموران پلیس شهر یار بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، پرونده تعرض به این دختر زمانی تشکیل شد که او با مراجعه به پلیس آگاهی علیه خواستگارش شکایت کرد. لیدا به مأموران گفت: مدتی قبل در یک شرکت کار می کردم و رضایت شغلی هم داشتم بعد از چند ماه به خاطر اینکه حقوقم را کم کرده بودند از آن شرکت بیرون آمدم و در جایی دیگر استخدام شدم. چند ماهی گذشته بود که یکی از همکاران سابقم به نام سعید را دیدم او به من گفت: مدت‌هاست که دنبال می‌گر دو و حالا هم به صورت اتفاقی من را پیدا کرده است. سعید گفت: می‌خواهد با من ازدواج کند. او مدعی شد در این مدت شبانه‌روز به من فکر می کرده است. لیدا در ادامه اظهاراتش گفت: «با در خواست‌های بی در پی سعید و اصرارش برای خواستگاری موضوع را به مادرم اطلاع دادم و قرار شد سعید و خانواده‌اش به خواستگاری‌ام بیایند. وقتی اعلام آمادگی خانواده‌ام را به سعید اعلام کردم به من گفت: قبل از خواستگاری باید خواهرش را ببینم. او گفت: خانواده‌اش اصرار دارند قبل

شرق: خانواده مرد شبگردی که هشت سال از قتل او می‌گذرد، با بی نتیجه ماندن تحقیقات پلیس به داد‌گاه رفتند و خواستار دریافت دیه از بیت‌المال شدند.

به گزارش خبرنگار ما، بامداد روز نهم فروردین سال ۸۲ یکی از ساکنان کوچه گلسار واقع در خیابان خوارزمی وقتی از خانه‌اش بیرون آمد با صحنه دلاخراشی روبه‌رو شد. او شبگرد محله را دید که با پیکری خون‌آلود در گوشه‌ای از کوچه افتاده بود. این شخص ابتدا تصور می‌کرد مرد شبگرد مجروح شده اما وقتی بر بالین او حاضر شد و سردی دستانش را لمس کرد، فهمید وی جان باخته است. دقایقی از این ماجرا نگذشته بود که افسران پلیس جنایی همراه با بازپرس ویژه قتل، خود را به محل حادثه رساندند. شواهد نشان می‌داد مرد شبگرد به‌نام ایوب، قربانی جنایتی شبانه شده است. ضربات متعدد چاقو که در پهلو و سینه وی هویدا بود، این فرضیه را تأیید می‌کرد. در شرایطی که مأموران در حال تحقیق در این باره بودند یکی از اهالی نزد آنها رفت و مدعی شد شیشه خودرو پژو ۲۰۶ مشکی رنگش که کمی آن سوتر از جسد پارک شده شکسته و رادیو -پخش خودرو- سرعت شده است. اعلام این خبر فرضیه‌های تازه‌ای را پیش روی کارآگاهان قرار داد و آنها این احتمال را مطرح کر دند که جوان شبگرد متوجه سرعت از پژو شده و تلاش کرده مانع سارقان شود و در همین حین آنها او را با ضربات کرد

شرق: وضعیت جسمانی هانیه، دختری که توسط ناپدری‌اش مورد آزار قرار گرفته بود بهبود یافته و احتمالا او امروز مرخص می‌شود. به گزارش خبرنگار ما، این دختر هشت ساله که به شدت تحت شکنجه‌های ناپدری‌اش قرار گرفته بود زمانی توسط کارشناسان اورژانس اجتماعی پیدا شد که آثار سوختگی‌های شدید با ته سیگار روی بدن او دیده می‌شد. کمر او را با سیخ داغ کرده بودند و دو دستش از ناحیه‌ی مج شکنجه شده بود. کارشناسان اورژانس اجتماعی در گزارش اولیه خود آورند، این کودک چندین روز هم گرسته مانده و اگر این وضعیت کمی بیشتر ادامه پیدا



خبر آنلاین: مردم شهری در فیلیپین کلوجه انبه‌ای را به وزن چهار هزار کیلو در ابعاد ۱۰۰ متر مربع پختند تا نامشان در گینس ثبت شود. کیک و شیرینی پزان شهر سان کارلوس در استان پانگاسینان توانستند ۴۰۰ قطعه کلوجه هر کدام به وزن ۹ کیلو را تهیه کنند و به ۱۲۰۰ نفر از ساکنان بدهند. ساخت این کیک حدود ۹ هزار و ۲۵۹ دلار هزینه داشت. هنوز گینس ر کورد آنها

حوادث

بازجویی از پدر و برادر مرد آهنین

■ متهم اصلی پرونده بر خلاف اعلام قبلی فراری است



بخشی که مقتول در آنجا بستری بود بروند، اما کادر پزشکی اجازه نمی‌دادند برای همین هم مشاجره‌ای ایجاد شده بود.»

یک روز بعد از بیمارستان خبر رسید علی جان باخته است و خانواده علی وقتی از مرگ مغزی فرزندشان مطلع شدند اعضای بدن او را اهدا کردند. بعد از آن بود که پلیس امنیت رسیدگی به پرونده را بر عهده گرفت و اخباری از وقوع این قتل منتشر شد، البته در روز نخست همه مقامات دادسرای جنایی و پلیس آگاهی این انتقال را تکیذ بر دند چرا که بر خلاف روال معمول به بازپرس ویژه قتل اطلاع داده نشده بود. سرانجام دیروز رییس شعبه هفتم دادسرای جنایی در حالی تحقیق درساره‌ای پرونده را آغاز کرد که امیر همچنان فراری است و پدر

دختر جوان در دام خواستگار قلابی

کرد، رهایم کرد و از خانه بیرون آمدم. او به من گفت: نباید در این مورد با کسی صحبت کنم. بارها و بارها من را با تلفن تهدید کرد و از من خواست سکوت کنم اما نتوانستم این کار را بکنم و بالاخره تصمیم به طرح شکایت گرفتم.» مأموران چند روز بعد از این شکایت با ترندهای خاص سعید را دستگیر کردند. هر چند این جوان در ابتدا منکر تعرض بود، اما بعد از رویارویی با لیدا لب به اعتراف گشود و گفت: زمانی که با لیدا همکار بودم، می‌خواستم به او تعرض کنم و این نقشه را از مدت‌ها قبل در سر داشتم. بعد از اینکه او از شرکت ما رفت دیگر نتوانستم پیدایش کنم تا اینکه برای انجام کاری به شرکتی رفتم که لیدا در آن کار می‌کرد. بر خورد ما کاملاً اتفاقی بود. بنابر این تصمیم گرفتم این فرصت را از دست ندهم. به او گفتم قصد ازدواج دارم. می‌خواستم با این کار اعتمادش را به خودم جلب کنم و البته موفق هم شدم. من هرگز فکر نمی‌کرد لیدا به مأموران خبر

خانواده مقتول بعد از ۸ سال، خواستار دریافت دیه از بیت‌المال شدند

بن بست تحقیقاتی در قتل مرد شبگرد

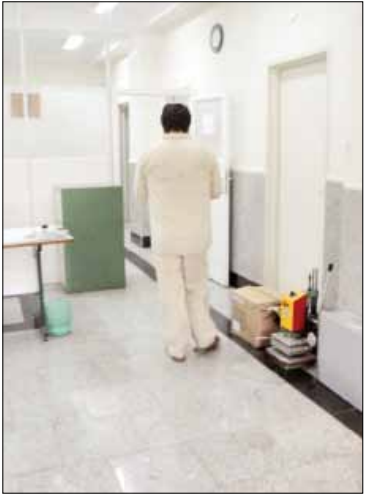
با در آو رد هاند. از آنجا که آن محله چندین شبگرد داشت، همکاران مقتول به پلیس آگاهی دعوت شدند تا اطلاعاتی درباره شب حادثه گردآوری شود. یکی از آنها به مأموران گفت: مقتول، برادر شبگرد اصلی به‌نام یعقوب بود، چون او برای چند روز به شهرشان رفته بود برادرش ایوب به جای او کار می‌کرد. من و ایوب در طول شب چندین مرتبه یکدیگر را دیدیم اما از ساعت چهار صبح از هم جدا شدیم و من دیگر او را ندیدم.

یکی از همسایه‌ها که نیمه شب صدای داد و فریاد شنیده بود نیز اطلاعات مهمی به پلیس ارایه داد. او گفت: «آن شب بی‌خوابی به سرم زده و کلافه بودم. به‌خاطر صدای داد و فریادی که از کوچه می‌آمد جابم بلند شدم. یک نفر فریاد می‌زد، درد دزد، وقتی به پنجره رسیدم یک موتورسیکلت را در حال دور شدن از انتهای کوچه دیدم. چند ساعت بعد فهمیدم شبگرد کوچه کشته و رادیو-پخش خودرو یکی از همسایه‌ها نیز دزدیده شده است.»

تجسس‌های پلیس ادامه یافت تا اینکه چند روز بعد از این جنایت، کار آگاهی‌ها به جوانی به‌نام شهرام مظنون شدند و وی را برای بازجویی به پلیس آگاهی منتقل کردند. او که از افراد سابقه‌دار بود و سابقه چندین مرتبه ماجراجویی نداشته است اما اظهارات مردی که سارقان را در حال قرار دیده بود، باعث شد ظن پلیس به شهرام بیشتر شود. شاهد این ماجرا

و برادر او در بازداشت به سر می‌برند. باز پرس شهریاری دیروز از اطلاع‌رسانی درباره این جلسه و جزئیات پرونده خودداری کرد اما بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد برادران قزایی از سال‌ها قبل با مقتول دوستی صمیمانه‌ای داشتند ولی اخبار به خاطر طلب سه میلیون تومانی با او به اختلاف و پیش از این نیز مشاجراتی بین آنها در گرفته بود. ظاهراً یکی از متهمان این پرونده چند روز قبل نیز به خانه مقتول رفته بود اما مادر او با بیان اینکه فرزندش در منزل نیست مانع درگیری بود و سعی کرده بود طرف مقابل را آرام کند. در روز حادثه نیز امیر وقتی فهمید علی همراه دوستانش در یک میهمانی در سفره‌خانه‌ای سنتی حضور دارد، به آنجا رفت و با ارسال یک پیامک برای این جوان، وی را از قهوه‌خانه بیرون کشید.

بنا بر این گزارش تحقیقات پیرامون این پرونده هنوز به پایان نرسیده و نکات مبهم بسیاری در باره این قتل وجود دارد.



دهد؛ چون او دختر تر سسو و آرامی به نظر می‌آمد. بنا بر این گزارش؛ متهم در حال حاضر با دستور شعبه چهار دادسرای شهر یار در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از وی ادامه دارد.

چون مظنون را از پشت دیده بود و همین موضوع این معمای پلیسی را پیچیده‌تر می‌کرد. انکارهای مظنون باعث راهپای‌اش نشد و در حالی که فرد دیگری شناسایی نشده بود پرونده با صدور قرار مجرمیت و کيفر خواست برای شهرام به داد‌گاه ارسال شد. در اولین دور از محاکمه که در شعبه ۱۱۵۶ مجتمع قضایی بعثت بر گزار شد قاضی الهی‌زاده، ادله موجود را علیه شهرام کافی ندانست و او سویی او نیز سوگند یاد کرد در قتل جوان شبگرد دست نداشته است. به این ترتیب قاضی، پرونده را با صدور قرار منع تعقیب برای متهم به شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور ارسال کرد. قضات دیوان عالی نی با این قرار موافقت کردند. به این ترتیب این پرونده بدون شناسایی قاتل به باگانی سپرده شد تا اینکه چند روز قبل، خانواده مقتول مجدداً به داد‌گاه رفتند و این بار خواستار دریافت دیه از بیت‌المال شدند. خانواده مقتول طی درخواست‌شان یادآور شدند: هشت سال است که از قتل ایوب می‌گذرد اما تحقیقات مأموران راه به جایی نبرده است. او در حالی که تلاش کرده مانع سارقان شود به طرز ناخودرانه‌ای کشته شده است. ایوب متاهل و دارای سه فرزند بود و آنها با مرگ پدرشان در شرایط سختی به سر می‌برند. به همین دلیل خواستار دریافت دیه از بیت‌المال هستند.

بنا بر این گزارش، قرار است داد‌گاه به زودی درباره این خواسته تصمیم‌گیری کند.

رسول اکرم و شهید مطهری پیگیری شد. بنا بر تازه‌ترین اخبار روز گذشته یکی از معاونان وزیر کشور برای بررسی وضعیت و ملاقات هانیه به بیمارستان رسول اکرم رفت. در همین حال یک منبع آگاه به خبرنگار ما گفت: پزشکیان که هانیه را تحت نظر داشتند، اعلام کرد: نذا نظر آنها،و مرخص است و در صورتی که پزشک اطفال نیز وضعیت این کودک را مساعد بداند هانیه امروز مرخص خواهد شد. بازپرس پرونده نیز خبر داد: ضمانت هانیه به طور موقت به مادر کاران بزه‌پستی سپرده شده است و تا تعیین تکلیف، این کودک در مراکز بهزیستی خواهد ماند.

ر فتم، اسامو را با صورتی کبود و بدن بی‌حس یافتم. وقتی فرزندم را به بیمارستان رساندم من م گفتند او به دلیل جراحات مغزی جان خود را از دست داده است.» پلیس «پنسیلوانیا» ابتدا دختر بچه متهم به قتل را دستگیر و سپس او را با ضمانت والدینش آزاد کرد اما این دختر تا زمان بلوغ اجازه تز دیک شدن به کودک‌ن زدیر پنج سال را ندارد.

حراج قدیمی ترین نسخه قوانین فوت‌تال

بی‌بی‌سی: یکی از حراجی‌های معروف انگلستان در حراج قدیمی ترین دست‌نوشته فوتسال جهان در این کشور خبر داد. این دست‌نوشته که مربوط به سال ۱۸۵۸ میلادی است، توسط هیات مدیره باشگاه شفیلد به نگارش درآمده است. برای این نسخه یک میلیون و ۲۰۰ هزار پوند قیمت گذاشته شده و قرار است قبل از حراج اصلی به نیویورک و پاریس هم برده شود تا ارزش واقعی آن به اثبات برسد.

نگاه

الگوهای هنجار شکن



■ در میان اخبار حوادث گاه با خبری مواجه می‌شویم که علاوه بر تعجب، باعث تأثر عمیق نیز می‌شود. هر از گاهی خبر تخلف یک یا چند چهره معروف در زمینه‌های هنری و ورزشی به گوش می‌رسد. دستگیری چند روزشکار در یک میهمانی شبانه، قاچاق مواد مخدر توسط یک قهرمان دوچرخه‌سواری، زورگیری یک رزمی کار، سرقت به دست یک قهرمان مشت‌زنی و اینک قتل توسط یکی از قوی‌ترین مردهای ایران، هنجار شکنی و قانون‌گریزی از سوی هر شهروندی امری نایسند، مضموم و غیرقابل قبول است اما این کار از طرف «هنجار فرستندگان» و الگوهای رفتاری جامعه، ناپسندتر و آزاردهنده‌تر از سایرین است. به راستی چرا چنین اتفاقات تلخ در جامعه روی می‌دهد؟ از نگاه آسیب‌شناسی رفتاری اولین علت وقوع این حوادث تفاوت و تمایز بین قهرمان و پهلوان است. یک فرد ممکن است به لحاظ قدرت بدنی باافرگیری فنون و تکنیک و مهارت‌ها بتواند به شخصی شاخص در یک رشته ورزشی تبدیل شود اما کسب جایگاه پهلوانی علاوه بر این توانایی‌ها به دارا بودن منش، شخصیت ویژه و اخلاقی خاص نیازمند است. رعایت ارزش‌های اخلاقی جامعه و همناو شدن با هنجارهای اجتماعی کاری است که باید یک قهرمان برای پهلوان شدن انجام دهد. از دوران بوربای ولی تا سه با امروز هزاران فرد توانمند در جامعه ظهور و افول کرده‌اند. اما چر آن‌ام پوربای ولی و غلامرضا تختی بر تارک تاریخ ماندگار شده است؟ پاسخ به این پرسش همان تفاوت بین پهلوان و قهرمان است. به باور نگارنده هر فرد برای رسیدن به جایگاه شاخص در ذهن افکار عمومی باید مهارت‌های تزکیه نفس، مدارا، همدلی، ضعیف‌پروری، کنترل خشم و رعایت حقوق دیگران را فرا گیرد تا بتواند برای جوانان به الگویی مناسب تبدیل شود. اگر مردی قوی بتواند کارهای خارق‌العاده انجام دهد، مثلاً اتوبوس را با موهایش بکشد یاوزنه‌ای سنگین را از جا بکند اما قادر نباشد خشم‌اش را کنترل کند، آیا به راستی می‌توان او را قوی دانست؟ قطعاً پاسخ منفی است.

جوانان در آموزش رفتار معمولاً الگوهای رفتاری چهره‌های مطرح را انگاره و نمود رفتار خود قرار می‌دهند. از این رو قانون شکنی و قانون‌ستیزی از چهره‌های معروف ناپسندی مضاعف دارد؛ چراکه این اشخاص شهروندان شناخته شده و ممتاز جامعه هستند. آنها باید در برابر پایمال شدن حقوق خود نیز صبر و منات پیشه کنند تا بتوانند صلاحیت تبدیل شدن به نمادی اخلاقی را به دست آورند. بنابر این همان گونه که هنجار شکنی از چنین چهره‌هایی زستی مضاعف دارد، مجازات نیز باید مضاعف باشد؛ چرا که نگاه جامعه به خصوص جوانان به آنها در قالب یک آموزگار است نه یک فرد عادی. در این باب بزرگان دینی نیز توصیه‌های عدیده‌ای به کنترل خشم و خوشتن‌داری دارند و مر د قوی را شخصی می‌دانند که بتواند بر نفس خود و خواسته‌هایش غلبه کند.

در همین حال بررسی ماجرای اخیر ذهن پرسشگر را به این سمت سوق می‌دهد که درگیری بین دو ورزشکار در مقابل نگاه‌های متعجب و حیران یک جامعه چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ وقتی دو جوان در خیابان گریبان یکدیگر را می‌گیرند، الگوبرداری رفتاری‌شان از خشنون‌های میادین ورزشی است. آنها این رفتارها را به یاد می‌آورند و وقتی در چنین موقعیتی قرار می‌گیرند، تلاش می‌کنند این رفتار را باز تولید کنند. با وااگوی این ماجرا علت این ناهنجاری را می‌توان در فاصله گرفتن ورزش از معیارهای اخلاقی دانست.

وقتی پیراهن ورزشکاران ما به تابلوهای تبلیغاتی تبدیل می‌شود مفهوم ورزش برای تندرستی و ورزش برای انسان‌سازی معنا و جایگاه واقعی خود را از دست می‌دهد.

هزینه‌های هنگفت و سرسام‌آوری که از جیب مردم برای تقویت ورزشکاران، به خدمت گرفتن مربی و… خرج می‌شود، باید قدری تعدیل و بخشی از آن صرف آموزش مهارت‌های ورزشی و اجتماعی به ورزشکاران شود. این روند در حالی است که بسیاری از ورزشکاران از تحصیلات مقدماتی نیز بی‌بهراند و با چنین شرایطی گاه در میدان‌های بین‌المللی به‌عنوان نمایندگان کشور نیز ظاهر می‌شوند. ورزشکاران همزمان با اردوهای ورزشی باید در کلاس‌های اخلاقی و رفتار ورزشی نیز شرکت کنند تا بتوانند قابلیت تبدیل شدن به نماد رفتاری در جامعه، را پیدا کنند.

به باور من ورزشکاری که دست به قتل انسانی زده و شخص دیگری را اگر فراق نفس عضو کرده، در طول دوران ورزش خود با زاون و سینه‌هایش را سبتر کرده، اما هیچ گاه به فکر تربیت مبتدی و تقویت ارزش‌های انسانی در خود نبوده‌است.

در چنین روزگاری، جای اخلاق در جامعه ورزشی خالی است و روند قهرمان‌پروری کاذب در روندی غالب مبدل شده است که در این موقعیت ستاره‌ها روبه افول هستند. شایسته‌است ورزشکاران بداند رفتار و حتی کوچک‌ترین ویژگی‌های شان در قاب چشمان میلیون‌ها هوادار جای گرفته است. آنها بایداد در نوع پوشش، پیرایش و… نیز بهترین باشند تا بتوانند الگوی مناسبی برای احاد مختلف جامعه به خصوص جوانان باشند.